

دریچه

آخرین وسوسه پولانسکی

• سارا آقابابایان: ماجرای تاریخی «یک افسر و یک جاسوس» واجد چه دست‌مایه‌ای بوده تا رومن پولانسکی ۸۶ ساله را به پشت دوربین بکشاند؟ این نخستین و مهم‌ترین نکته‌ای است که در مواجهه با این اثر مطرح می‌شود. واقعه پرتآواره و بارها پرداخته‌شده آلفرد دریفوس، افسر یهودی نئون‌بخنی که پنج سال به جرم ناکرده به جزیره شیطان در سواحل گویان تبعید شد، به دلیل روبه‌روی هم قراردادن جریاناتی که اروپا را آبهستن تحولات فرهنگی و سیاسی کرده بود، در زمان رخدادش در کانون مجادلات قرار گرفت و به صورت نمادین نهضتی علیه اقتدارگرایی، استبداد، نژادپرستی و نظامی‌گری تلقی شد و پای اندیشمندانی مانند امیل زولا و لئو تروتسکی را از سراسر اروپا وسط کشیده تا بر مبنای نظریاتشان علیه این غائله موضع بگیرند. امروز در قرن ۲۱ پولانسکی نیز در همان راستا از این رویداد قرائتی منطبق با تفکرش ارائه کرده است.

پولانسکی روایت فیلم را از مراسم هتک حیثیت دریفوس توسط ارتش آغاز می‌کند و سپس ما را در جریان ابعاد مختلف پرونده قرار می‌دهد با حفظ نقطه دید پیکار افسر ارشد اطلاعاتی که با وجود آشنایی قبلی با دریفوس و البته زمینه احساسات ضدیهودی به طور تصادفی به اصل اتهام دریفوس شیک کرده و با پیگیری سرنخ‌ها متقاعد می‌شود که دریفوس بی‌گناه قربانی پاپوش بالاسری‌هایش است. این عطف در میانه فیلم رخ می‌دهد. در این



یک ساعت فیلم واجد جذابیت‌های یک فیلم معمایی است و چون داستان در اواخر قرن ۱۹ می‌گذرد که در فقدان تکنولوژی عامل هوش و استنتاج عصای دست کارآگاهان بود، حائز جذابیتی مضاعف است. فاز دوم فیلم، روایتگر مضمون تقابل فرد با قدرت حاکم و افشای یک فساد سیستماتیک است؛ مضمونی که پیش از این پولانسکی استادانه در «محلّه چینی‌ها» به آن پرداخته بود. اینجا نیز سرهنگ پیکار به قیمت خلع درجه و بایکوت‌شدن مسیرش را طی می‌کند تا سرانجام حرفش را به کرسی نشاند و دریفوس را تبرئه کند. هرچند پایان‌بندی فیلم همانند محله چینی‌ها فاقد خوش‌بینی و رستگاری است و دریفوس که نزد پیکار رفته تا به عدم ارتقای درجه‌اش اعتراض کند، این پاسخ را می‌گیرد که دشمنان قدرتمند ما همچنان بر سر کارند.

بهرغم وجود رگه‌هایی از دغدغه‌های مالوف پولانسکی مانند آزادی بیان، یهودی‌ستیزی و ناکارآمدی سازوکار قضایی، در این اثر، گفتگمان مدنظر فیلم‌ساز فراتر از این موارد است، چراکه اگر چنین بود، روایت با محوریت شخص دریفوس و نمایش رنج و آلامش و همچنین پرداخت بیشتر به ابعاد مختلف این حادثه تاریخی از جمله تلاش‌های خانواده و همسر دریفوس، پیش می‌رفت. درحالی‌که روایت پولانسکی با ساده‌سازی این ماجرای چندبعدی، زمان عمده‌اش در آمدوشد و جدال پیکار با دیگر درجه‌داران ارتش متمرکز است، پس فحوای آنچه پولانسکی را مصمم به ساخت این فیلم کرده باید در همین صحنه‌ها مراد کرد. ریاکاری ارباب قدرت برای سانسور و لاپوشانی به بهانه مصلحت و حفظ ظاهر درحالی‌که سراسر فیلم آکنده از تأکید بر شعارهای ناسیونالیستی است را می‌توان مهم‌ترین وجه فیلم دانست که در تناسب با اوضاع این‌روزهای اروپا که احزاب راست روبزه‌روز افراطی‌تر و شانس قدرت‌گرفتنشان بیشتر می‌شود، هشداردهنده احتمال تکرار این بیادگری‌هاست.

اوج فیلم را سکانس انتشار مقاله امیل زولا و تدوین موازیش با واکنش سران ارتش رقم می‌زند؛ یادداشت «من متهم می‌کنم» که در تیراژ ۳۰۰ هزار نسخه، مفسده تمام ارباب قدرت را در پرونده دریفوس، افشته کرد و مقاومت کاستی‌ناپذیرشان را در برابر حقیقت درهم شکست. کاری که آن روز روشنفکرانی مانند زولا در قبال فرانسه در آستانه پرتکاه انجام دادند همان رسالتی است که پولانسکی را به ساخت یک جاسوس و افسر واداشته. همان‌طور که پیش از این با شرح دوباره‌ای از اوبیور تویست چارلز دیکنز به تأویل معاصرِی از جامعه بریتانیا رسید که چندسال بعد منجر به برگزیت شد، امروز نیز بزنگاهی تاریخی در فرانسه را پیشگویی می‌کند که با روی کارآمدن پارادایم محافظه‌کار و رواج دیوان‌سالاری مقتدر به بهانه حفظ مرزها، فضا امنیتی شده و به تدریج با تضعیف ارکان دموکراسی، به نهادهی‌سازی خفقان سوق پیدا کند. هرچه باشد، در آخرین انتخابات فرانسه، امانوئِل مِکُرون در رقابتی تنگاتنگ بر ماری لوینی فاتح آمد که به راست‌گرایان وعده خروج از اتحادیه اروپا را می‌داد، پس تهدید غلغیدن در فاشیسم همچنان بر فرانسه سایه افکنده است.

بهناز شیربایانی: ابراهیم حقیقی، نقاش و گرافست باسابقه، این روزها در تدارک برگزاری نمایشگاهی از آثارش به صورت آنلاین در گالری گلستان است؛ آثاری که تمامی آنها در روزهای قرنطینه خانگی و شیوع ویروس کرونا خلق شده‌اند و حال‌وهوای این روزها را تداعی می‌کند. او با استفاده از نمادهای ویروس جهان‌شمول کرونا، از دستمال‌کاغذی و زل‌های ضدعفونی‌کننده گرفته تا ماسک و دستمال کاغذی در آثار مشهور هنری جهان، کرونا را به تاریخ دنیای هنرهای تجسمی برده است. آثاری از رنه ماگریت، ونسان ونگوگ، ادوارد مونک و ادوارد منه هدف این هنرمند قرار گرفته است. اول خردادماه افتتاحیه این نمایشگاه روی سایت گالری گلستان است. این آثار در قطعات کوچکی تهیه شده‌اند و برای فروش ارائه می‌شوند.

ابراهیم حقیقی در گفت‌وگو با «شرق» درباره چگونگی اجرایی‌شدن ایده‌هایش گفت: «حوالی ۲۵ اسفندماه بود که خبر بسته‌شدن فرودگاه‌ها و لغوشدن پروازها بیشتر شد و تقریباً شهرها یکی پس از دیگری به قرنطینه می‌رفتند. طبیعتاً سفرهای نوروزی هم تعطیل شدند. طبق روال، من هر سال نوروز برنامه‌ای برای سفر داشتم و این‌بار قصد داشتم گوشه‌ای دیگر از ایران را ببینم و متأسفانه با وجود این شرایط من هم به سفر نرفتم و ناچار در قرنطینه و خانه‌نشینی باید کاری انجام می‌دادم.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در همین دوران، کارکردن روی نقاشی نقاشان معروف را شروع کردم. البته چند نفری در اروپا و



گفت‌وگو با ابراهیم حقیقی به بهانه نمایشگاه کرونا ایسم

همه‌چیز از قرنطینه شروع شد

در برخی شهرهای اسپانیا و ایتالیا روی نقاشی‌های داوینچی کار کرده بودند و به دیوارها زده بودند. به این دلیل که از گذشته نقاشی‌های «رنه ماگریت» را می‌شناختم و روی کارهای او در سال‌های ۵۰- ۴۹ پوستر ساخته بودم، یاد این نقاش افتادم و با محوریت آثار او کارم را شروع کردم و این وسوسه ادامه پیدا کرد. بعد از آن هر روز یک یا دو کار انجام دادم و هر روز یک اثر روی صفحه شخصی‌ام منتشر می‌کردم. وقتی تعداد این آثار به ۴۰ رسید، فکر کردم تا همین‌جا کافی است و به همان نام قرنطینه که معنای ۴۰ را یادآوری می‌کند، کفایت می‌کند. اما کارکردن را ادامه دادم تا تعداد آثار به صد عدد رسید. بعد از آن منتخبی از این صد اثر با هم‌فکری دوستان انتخاب شد و قرار شد که در فضای مجازی سایت گالری گلستان به نمایش گذاشته شود.»

ابراهیم حقیقی در بخش دیگری از



گفت‌وگو با ابراهیم حقیقی به بهانه نمایشگاه کرونا ایسم

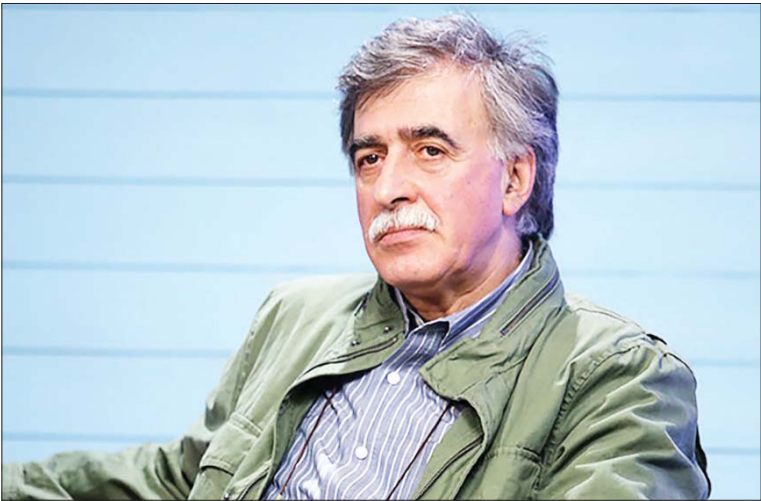
منتقل کند». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «دیدن تصویر یک تابلوی نقاشی بزرگ از روبه‌رو ویژگی دیگری دارد؛ مثل اینکه می‌توانید با بافت اثر، نوع قلم‌زدن نقاش و اتفاقی که فقط از نزدیک می‌توان دید روبه‌رو می‌شود و این موضوع با دیدن یک اثر روی سایت متفاوت است و حس دیگری دارد. با توجه به شرایط پیش‌آمده و تغییر سبک زندگی در سراسر دنیا تصور می‌کنم از ناگزیری است که باید با روش‌های دیگری مواجه شویم. این موضوع در مورد دیگر هنر‌ها مثل فیلم و تئاتر هم تعمیم‌پذیر است. فیلم‌دیدن در سینماها یا دیدن تئاتر در کنار دوستان و هم‌نفسی با دیگران است که به حرکت جمعی و اجتماعی هنر معنی می‌دهد. در غیر این صورت تمام نمایش‌ها را تبدیل به تصویر کنیم. چنان‌که رایج هم شده است، اما هیچ‌گاه آن حس و لذت دیدن نمایش روی صحنه را به مخاطب منتقل نمی‌کند. در مورد سینما هم این موضوع صدق می‌کند. من اندک کسانی را دیدم که از تنهایی سینمارفتن لذت ببرند. سینمارفتن و فیلم‌دیدن هم حرکتی جمعی است که در کنار دیگری و دیگران معنی می‌دهد. در حقیقت احساس شادمانی و اندوه را مشترک با دیگران تجربه می‌کنیم، مثل فریادزدن در استادیوم ورزشی است. غیرممکن است یک بازی ورزشی پرهیجان با حضور انگشت‌شمار علاقه‌مند در استادیوم برگزار شود و باز هم لذت‌بخش باشد. تصور می‌کنم این همسویی، همنشینی و هم‌نفسی است که به حرکت‌های اجتماعی ما و همچنین هنر معنا می‌دهد.»

اسعدیان:

فعلا برگزاری جشن سینما مطلوب نیست

به اعضای صنوف خبر دادیم که برای سه ماه از جهت کمک هزینه‌ها یاشان راحت باشد. در عین حال این نگاه را هم نداریم که اگر اعتباری وجود دارد آن را خیلی زود در اختیار اعضای خانه سینما بگذاریم و سریع تبلیغات کنیم. سعی می‌کنیم کمی درازمدت به موضوع نگاه کنیم و در این مدت متوجه شدیم که وقتی از پنج هزار عضو خانه سینما صحبت می‌کنیم، شش‌سایي دقیقی از این پنج هزار عضو نداریم. طبیعتاً همه آنها از جهت معیشت و رفاه با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. برخی از اعضای خانه سینما نیازی به کمک‌ها ما ندارند و برخی با یک ماه تعطیلی کارشان، به مشکلات جدی برخورد می‌کنند. ما با راه‌اندازی سامانه بانک اطلاعاتی خانه سینما که از اعضای خانه سینما درخواست کردیم اطلاعات آن را پر کنند و نزدیک به چهار هزار نفر آن را پر کردند، صاحب یک بانک اطلاعاتی شدیم که می‌توانیم بر اساس آن و کارگروهی که برای رسیدگی به همین منظور و با حضور سه نفر از اعضای هیئت مدیره و پنج نفر از رؤسای صنوف تشکیل شده است، آن را مدیریت کنیم و طی زمان‌بندی مشخص‌شده به اعضایی که نیاز به حمایت‌های کمک معیشتی خانه سینما دارند، کمک کنیم.

او ادامه داد: «تأکید می‌کنیم هیئت مدیره خانه سینما به هیچ عنوان باور ندارد که اگر امکانی فراهم شود، عدالت یعنی اینکه به هر پنج هزار عضو داده شود. اتفاقاً فکر می‌کنیم اصلاح حرکت عادلانه‌ای نیست. زمانی قصد دارید کارت تبریک برای اعضا بفرستید که قطعا برای هر پنج هزار نفر می‌فرستید، به این دلیل که شأن آنها را حفظ کنید. زمانی بسته کمک معیشت از شهرداری گرفته می‌شود که باید بین بخشی از اعضای خانه سینما تقسیم شود. همین بسته برای بسیاری از اعضا حیاتی است و ایجاد سامانه اطلاعاتی خانه سینما کمک بسیاری برای تسهیل این اتفاق است.»



شوند هم این داوری شامل فیلم‌هایی می‌شود که در هشت ماه قبل از تعطیلی سینماها اکران شده و عملاً بخشی از سال را از دست می‌دهیم و همین باعث می‌شود از هر جهت شاهد برگزاری جشن کوچکی باشیم. بنابراین فکر می‌کنم حتی برگزاری داوری آنلاین جشن امسال هم ایده خوبی نباشد.»

او در پاسخ به این پرسش که پس از راه‌اندازی سامانه اطلاعاتی خانه سینما، اقدامات خانه سینما برای کمک به معیشت سینماگران چه خواهد بود؟ گفت: «طرح‌هایی که برای کمک به سینماگران و اعضای خانه سینما در دستور کار قرار داشت، انجام شد، اما به این دلیل که در خانه سینما خیلی عادت نداریم روی این مسائل تبلیغات انجام دهیم، بازگو نکردیم. پیش از تعطیلات نوروز و هفته اول عید، زمانی که خانه سینما بسته بود، جلسات ما در خانه سینما برگزار می‌شد و پیکر مسائل مالی بودیم و اعضا خوشبختانه امکانات خوبی را برای اعضای خانه سینما فراهم کردند.

دوستان در آکادمی جشن خانه سینما هم مذاکراتی داشته باشیم و شاید این دوستان در زمان برگزاری جشن بزرگ سینمای ایران، به صورت نمادین برای پاسداشت روز ملی سینما با کمترین هزینه ممکن به

یک طرح برسند و به ما پیشنهاد بدهند.»

اسعدیان در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «طی هفته‌های گذشته حتی به برگزاری آنلاین جشن هم فکر شد. اما واقعیت این است که آیین‌نامه جشن نکات بسیاری دارد که یکی از این موارد تاریخ اکران فیلم‌های سینمایی است. عملاً طی سه ماه گذشته سینماها تعطیل بودند و فیلم‌هایی که قرار بود بعد از جشنواره به اکران برسند، زمان مشخصی برای نمایش ندارند. در این سه ماه اتفاقاً قرار بود فیلم‌های مطرح سینمای ایران که در جشنواره فجر سال گذشته توجه بسیاری را به خود جلب کرد هم اکران شوند که عملاً این اتفاق نیفتاد. فیلم‌ها باید طبق اساس‌نامه اکران شده باشند و حتی اگر فیلم‌ها به شکل آنلاین داوری

هنر

سال هفدهم • شماره ۳۷۲۱ ژوئیه

زیر آسمان فیروزه‌ای

«اَنُو» به شبکه نمایش خانگی آمد

• فیلم «اَنُو» (خانه) ساخته اصغر یوسفی‌نژاد، پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت وارد شبکه نمایش خانگی شد. اولین ساخته بلند سینمایی یوسفی‌نژاد در سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر با استقبال منتقدان و اهالی سینما روبه‌رو و از مهرماه سال ۱۳۹۶ در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران شد. این فیلم پس از اکران در سینماهای هنر و تجربه و حضور در ۱۸جشنواره معتبر بین‌المللی از جمله جشنواره فیلم توکیو، یکن، شب‌های سیاه تالین، ترنسیلوانیا، استانبول و… از فردا وارد شبکه نمایش خانگی می‌شود. «اَنُو» داستان یک روز از زندگی سایه است که به خاطر ازدواج، از شش سال پیش ارتباطش را با خانواده قطع کرده است؛ او زمانی به خانه برمی‌گردد که طبق وصیت پدرش مأموران جسد او را به اتاق تشریح دانشگاه منتقل می‌کنند. اما سایه نمی‌تواند با این وصیت نامتعارف کنار بیاید. محدثه حیرت، رامین ریاضی و غلامرضا باقری از بازیگران فیلم «اَنُو» (خانه) هستند. بخش نسخه اینترنتی «اَنُو» را شرکت هنر اول برعهده دارد و فیلم در بستر سایت فیلمود در اختیار مخاطبان قرار خواهد گرفت.

«صورت زخمی» با فیلم‌نامه‌ای از برادران کوئن دوباره ساخته می‌شود

• مهر: بازسازی فیلم «صورت زخمی» در حالی صورت می‌گیرد که ایتن و جوئل کوئن آخرین بازنویسی فیلم‌نامه را انجام داده‌اند و لوکا گوادانینو برای کارگردانی فیلم انتخاب شده است. از این داستان چند بار تاکنون اقتباس سینمایی شده است که جدیدترین آن نسخه ۱۹۸۳ فیلم کلاسیکی با بازی آل پاجینو و میشل فایفر به کارگردانی بریان دی‌پالما بود. فیلم جدید نیز با تمرکز بر مهاجرت ساخته می‌شود که در دو فیلم قبلی محصول سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۸۳ در مرکز داستان بود و قصه در لس‌آنجلس رخ می‌دهد.

گوادانینو کارگردانی فیلم‌های معتبری را انجام داده و به تازگی بازسازی فیلم ترسناک «سوسپیریا» را که محصول ۱۹۷۷ به کارگردانی داریو آرجنتو بود را برای آمازون انجام داده است. این فیلم با بازی داکوتا جانسون، تیلدا سوئینتون و کلویی مورتس ساخته شد. وی کارگردانی درام «مرا با نام خودت صدا کن» را برعهده داشت که نامزدی اسکار بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را نیز برایش همراه داشت. این کارگردان ایتالیایی اکنون در حال سپری‌کردن مراحل پس از تولید سریالی کوتاه با عنوان «ما همانی هستیم که هستیم» برای شبکه اچ‌بی‌او است که با بازی الیس براگا و کید کودی ساخته شده است. او همچنین قرار است بازسازی «سالار مگس‌ها» را برای وارنر برادرز انجام دهد. از سه سال پیش خبرهایی مبنی بر بازسازی «صورت زخمی» مطرح شده بود و مدتی از آنتونی فوکوآ به عنوان کارگردان یاد می‌شد.

مرور آثار صدابردار باسابقه سینمای ایران در شبکه نمایش

• در ادامه تغییرات جدول پخش شبکه نمایش، عناوینی متنوع و همچنین مرور آثار عباس رستگاریور، صدابردار و صداگذار سینمای ایران، که کنادکثوَر این هفته شبکه قرار گرفته نمایش فیلم‌های ایرانی ساعت ۱۳ شبکته نمایش به‌ترتیب از شنبه، ۲۷ اردیبهشت، تا پنجشنبه، اول خرداد، شامل «ساعت به وقت صفر»، «یونس»، «نسخه خطی»، «سلام تابقه» و «قلبم هنوز می‌تپد» هستند و در روز جمعه، ۲ خرداد و مصادف با روز جهانی قدس، فیلم «سجراچی شنبه» پخش می‌شود. فیلم‌های منتخب ساعت ۱۵ این شبکه، به‌ترتیب: «آتشفشان»، «طبقه سیزدهم»، «مردان دریایی»، «جولی و جولیه»، «معجزه برن»، «سریع‌ترین سرخپوست دنیا» و «پدی» است.

پخش سری فیلم‌های دنباله‌دار ساعت ۱۹ به‌ترتیب با پخش فیلم‌های: «در اعماق دریا ۲»، «توطئه بزرگ»، «دان ۱ و ۲»، «بچه‌ها را کوچک کردم»، «بچه را بزرگ کردم» و «ما آب رقتیم» ادامه دارد. این هفته شبکه نمایش به مرور آثار عباس رستگاریور، صدابردار و صداگذار سینمای ایران، می‌پردازد. وی تاکنون موفقیت‌های بسیاری را در جشنواره‌های گوناگون کسب کرده است و در آثاری مانند فیلم «نفس»، «دست‌های خالی»، «مهاجر» و «زیر سقف دودی» فعالیت داشته است. فیلم‌های سینمایی این هفته با صداگذاری رستگاریور، از شبیه تا جمعه به‌ترتیب «به کودی یاس»، «سجاده آتش»، «فرزند خاک»، «نفس»، «فصل نرگس»، «دست‌های خالی» و «سی‌وسه روز» از این شبکه پخش می‌شوند. فیلم‌های سینمایی ساعت ۲۳ این شبکه از شنبه تا جمعه به‌ترتیب «بزرگ‌مرد کوچک»، «نفس بکش»، «فراز از سرعت»، «جنگجویان رودخانه وحشی»، «مارک فلت: مردی که کاخ سفید را به خاک سیاه نشاند»، «دیترویت»، «هتل آرتمیس» هستند. باکس فیلم‌های کلاسیک در ساعت یک بامداد از شنبه، ۲۷ اردیبهشت، تا جمعه، دوم خرداد، به‌ترتیب به پخش فیلم‌های «عقرب»، «کاپیتان هوراشیو»، «تکخال در حفره»، «گویی سرخ‌دست»، «سوار بی‌نام»، «کوزن جوان» و «طوفانگر» اختصاص دارد.